

حاصل نمودند و هنگام مخصی از لطق و بیان مبارک شکر کردند و مسرت با اظهار نمودند
 وقت شام جمیع خدام حضور را نگاه داشتند و خود دکتور و مسرت بیت با تمام عائله
 سر نیز داناتا اظهار مسرت و ممنونیت از شریف فرانی مبارک و استماع تعالیم الهیه
 می نمودند روز ۸ محرم (عشر انویه) پس از عجز و نیاز بملکوت
 بی انباز و شرف چند نفر از طالبان دو اتوبیل حاضر و سیکل اقدس با جمعی از دوستان
 و خدام بدرسه جزائی تشریف بردند پس از ورود مدیر مدرسه بازوی مبارک را
 گرفته سیکل پهلرا در هر اوطاقی سیر گردش داد و جمیع آثار و نقشه ها را از نظر انور گذرانید
 تا طبقه آخر عمارت رسید و در برجی که بالای بام بسیار مرتفع ساخته بودند چون تشریف
 بردند با اوطاقی رسیدند که در وسط آن صفحه بزرگ مدوری مانند میز مسطحی او نیمه و پارچه
 سفیدی رو پوش داشت و آن صفحه مقابل دریکه تی در وسط گنبد و سقف واقع بود
 و در آن دریکه دو برین عکاسی مخصوص نصب شده بود بطوریکه از بالا عکس شهر گرفته آن
 صفحه و مجموعه میانداخت و چون آن برج وسط شهر بود لهذا وقتی دو برین دور میکردانید
 در هر گردش عکس قطعه تی از شهر بران صفحه میانفاد و جمیع عمارتها و خیابانها و باغها و عبور
 کالسکه ها و ترنها و آمد و شد مردم و دغان کارخانها را همه مثل عکس متحرک مجسم می ساخت خیلی
 تحسین فسر بودند مدیر عرض نمود سیصد سال است که این دو برین اختراع شده و لکن
 تا حال استعمال نیامده بود پس از گردش در سایر اوطاقهای مدرسه از آنجا چون حرکت
 فرمودند بر حسب استدعای دوستان سواره از اراک و عمارت قدیمی که سابقا قتل سلطانی بوده

مرکب مبارک سیر کرده تا خارج شهر تبال و جبالی رسید که انجار آنفرخگاه سلطانی (کننگز در ایو) گویند جای با صفا و خوشنمایی بود و سواد شهر را در زیر نظر داشت و چون بنزل مرجهت فرمودند پس از صرف ناهار قلیل استراحتی دسته دسته نفوس طالبه مشرف می شدند و از امر الله استفساری کردند و از صفاء ندا و اعلی و تعالیم امر الله چنان نشاط و نباطی می یافتند که حکام صا و ره از سلم ابی را علاج در دبی در مان این عصر و زمان می گفتند تا اول شب مجلس مخصوصی اعضا آنجمن اسپرنتو در فرسن بال که تالار بسیار بزرگی بود برپا بزرگترین سابقه شهر آراسته بودند و چون از چند روز پیش اعلان مجامع اوین بزرگ را در بر اند نمودند لهذا انقدر جمعیت بود که تقریباً سیصد نفر بیرون عمارت ماندند که جای ایستادن در داخل نبود اول دکتور کلین شری از امر مبارک بیان نموده از جمله گفت «این امر مخالف اساس حضرت مسیح نیست بلکه روح الهی است که در خارج کنائس و مل مسیحیه هم مشغول کار و نافذ در قلوب است هر چند ظهور مسیح آخر بود لکن باب فیوضات الهیه مسدود نیست زیرا تعالیم حضرت مسیح تجدد و تفسیر لازم دارد در غرب ما اساس مذمت عظیمه نباده ایم اما حال رو به زلزله و جلال است لهذا ما در هر جا انوار صلح و صلح بیسیم باید پیش نماییم و خوش آمد گوئیم و لوازم هر تسلیم و زبانی باشد» باز که دکتور مذکور از رؤسای عظیمه دیانت مسیحیه بود معذکات ملاحظه نمایند که چگونه همین امر الله و سطوت عهد الله او را منقلب ساخت که شهادت بر این داد که این امر روح الهی است که در خارج مل مسیحیه هم عامل و نافذ است باب فیوضات الهیه و سبب تجدد اساس مسیح و ترویج صلح و صلح

و سزاوار پرستش و خوش آمد است خلاصه چون طلعت نور عبدالبهادر در صحنه خطابه قیام فرمودند
حضار این طرز خوش آمد اظهار نمودند که جمعی از روی کرسیها برخاستند خطابه مبارکه در خصوص
زبان عمومی بود که این یکی از تعالیم این امر مبین و دلیل بر عظمت این قرن عظیم است بسبب
سبب حیرت نفوس و انقلاب قلوب گردید و آن مجلس پر و فرس گدیس برخاسته
از قبل عموم اظهار شکر و ممنونیت نمود

روز محرم (۷ ژانویه)

در سبب آمدن مقالاتی در خصوص ورود مبارک و تعالیم بدین سبب این امر طبع و نشر گردید
که سبب از یاد طلب و کثرت تشرف نفوس شد قبل از ظهر چون جمعی از طالبان بزیارت
طلعت پیمان مشرف شدند و بشارات ظهور مظلوم طور را شنیده بخصوع و تعظیم موفق گشتند
از گاه نظر خویش بس و ایت بدین مجمع تضایع و مدارس اطفال فقرات شریف بردند
و رهبریک از ادوات قهای مدرسه صنایع عبور فرموده و شاگردانی را که تجاری و تجاری
نقاشی و غیره مشغول بودند تحمین و تشویق می فرمودند و در مدارس تمام اطفال را اعانت
می نمودند تا در مراجعت از مدارس بازار و مرکب مبارک تلال و جبال سبز و غرم
بیرون شهر را سرعت سیر نموده چون بمنزل شریف فرما شدند نفوس پی در پی در محضر
اظهر حاضر و مشرف و از اطلاع بر تعالیم و آثار ظهور اعظم ابی غریق بجز بهجت و سُرور بودند
و در آن شب مجلس عظمت و جلالی در تالار رنی (مدرسه الهیون) بواسطه کمیته مدرسه جغرافیا
مخصوص خطابه مبارکه منعقد و حضار همه از کشیشها و علما و عظام و بزرگان اهل کابل بودند
صدر انجمن و میر مجلس پر و فرس بزرگ گدیس بود و از جمله عباراتش در معرفی طلعت پیمان جانی

که بعینها ترجمه شده است در شب حضرت عبدالبهادر در فواید لسان عمومی بجهت حصول
 هفت و سهولت سیر و سیاحت و ترقی صناعت و رفع سوء تفاهم بین ادیان نطق فرمود
 اما شب خطابه فی در خصوص تعالیم حضرت بهاء الله او ای شکر کنید امر بهائی که متجاوز
 از نیم قرن است دائم در تحت شکنجه و بلاست شهدای عصر اول مسیح را بیا دنیا و در اول
 این امر در ایران بود بعد سایر ممالک اسلامی سرایت نمود درین یهودیان و مسیحیان
 انتشار یافت اگرچه این امر روحانی از محسوس ظاهر شد لکن تعالیمش جمیع مطابق این قرن
 تمدنت بعد خطابه مبارکه در شرح تعالیم مسلم ابی و بلا یای وارده بر امر الله و علماء
 کلمه الله با وجود احاطه اعدای تقسیمی در قلوب مؤثر و سبب تذکر نفوس گردید که پروردگار مذکور
 باز بر خاسته از قبل عموم حضرت عبدالبهادر را شکر نمود و گفت که جمیع از جسم قلب شاکرند
 که حضرت عبدالبهادر با کمال فصاحت و بلاغت تعالیمی را شرح دادند که روح ترقی
 این قرن است این امر است که در شرق با نهایت سرعت انتشار یافته مانند هوری
 که در غرب رو بجریان و غلیبان است و چیز که خیلی سبب جلب قلوب شد این بود که خطابه
 حضرت عبدالبهادر گو یا امید قلوب ما را بیان می نمودند ما با نهایت سرور تعالیم این امر را
 علی الخصوص در نیم معارف قبول می نمایم و اینکه باید هر نفسی کسب شغلی مشغول باشد
 و اینکه عالم انسانی مانند مرغی است دارای دو بال است و مدیت مادی و مدیت الهی
 باید توأم باشد فی الحقیقه این عبارات آرزوی قلوب ما را محتمل نموده و آنچه بیشتر سبب تیرت
 نیست که با نهایت زجر و تهدید قتل و زندان این تعالیم را انتشار دادند تا بعد روزند که

زاب برخاسته گفت «ما همیشه از غرب بیشتر بشرق میفرستادیم ولی امروز می بینم معلم
 شرقی بغرب آمده اصول کتب مقدسه را با تعالیم بدیهه شریعت میسر میدهد با وجود این حیات
 عبدالبهاء خود از کلمات مؤثرتر است حق ایشانست نطق کردن زیر چهل سال از عمر خود را
 در حبس گذرانیده اند و خدا امور بسیاری بر ایشان کشف نموده است دکتور کلین
 و شب اظهار داشت که عبدالبهاء نیامده اند مردم را بدین خود دعوت نمایند لکن عقیده
 من این است زیرا امید آنم که ما ساقفه ترویج چنین بشاراتی می نمایم بلکه آرزوی زشتیگونه
 تعلیمات داریم لهذا امید داریم این خطابه حضرت عبدالبهاء سبب تحریص و تشجیع نمایند
 گردد» و بعد دکتور در اموند با عباراتی طبع بیان شکر و ستایش نمود رئیس نیز با ادب و شکرانه
 پرده بسته مجلس با نهایت شوق و شور ختام پذیرفت و صورت آن مجمع و محفل خود قوی
 دلیل و عظم برهان بر حقیقت این امر عظیم و قدرت و نفوذ عهد و میثاق قویم بود که در چنان شهر که
 در ممالک بریطانیه مدینه مقدسه و مرکز رؤسای دینی ملت مسیحیه است خلاصه نفوس
 و وجهه علماء و فضلاى آنها با ندرجه شهادت بر قوت و قدرت و نفوذ و اهمیت تعلیم مبارکه
 داوند و مفتون گفتار و رفتار جمال بمیال گردیدند بشانیکه در حسب جمع مقالات علاوه
 بر اوصاف و نفوت رؤسای سائر مجامع مندرج و مترگشت وصیت عظمت امر الله و همین
 عهد الله زلزله بر ارکان عالم وجود انداخت
 روز ۳ محرم (۸ ژانویه)
 مطلب تازه و بیان خیلی با مزه این بود که صاحب روزنامه او نیگادین بورگ نوشته بود
 و در صورتیکه ساقفه ما با این زودی مفتون جلال و کمال شخصی شرقی شوند حال دیگران

چه خواهد شد . . . واقع حق دارند زیرا دیدند که وجود شرقی که سه روز است با دین بزرگ
 درود فرموده اند اینطور در قلوب نفوس خیره تأثیر و نفوذ ظاهر ساخته اند در هر مجمع و
 مجلسی که وارد میشوند و تمام مردم بهجت احترام قیام می کنند و اشخاص طبله با و صافش
 ناطقند و عموم مردم بدرجهائی خاضع که در آن سر بر محفل دست میدهند و اظهار طلب و
 اشتیاق مینمایند و هر روز جز انداز عظمت جلال و علو کمالش حکایت میکند البته بعضی
 بمقدود حسد آیند و بخوف و خشیت افتند که مباد در استقبال این امر تزلزلی با ارکان استقلال
 و ترغیبی در بنیان تعالید و اوامام ما اندازد از روز در محضر انور از هر طبقه اشخاص بی در پی شرکت
 حاصل نموده از فیوضات روحانیه بهره مند و از مواهب باقیه فیضیابی شدند عصر
 که در تالار بزرگ منزل دکتور وایت مجلس خوبی بهجت محصلین علم که از هند و مصر و جاپان
 بودند منعقد نموده همه بشرف لقاء و استماع خطابه مبارک مشرف گردیدند زیرا چون
 از ورود و سبیل اطهر و خطابات مبارکه و نفوذ تعالیم مقدسه در مجامع و محافل عظیمه آگاه شدند
 فخر و مباهات نمودند که چنین آفتاب عظمتی باز از افق مشرق دمیده که دیده اهل غرب را مبیا
 کرده و قلوب صافیّه امم مغرب زمین را روشن و منور ساخته لهذا جمیع محصلین شرقی
 اتفاقاً چنان محفلی را از دکتور وایت درخواست نمودند و از جمله عباراتی که دکتور وایت
 در بدایت آن مجلس در خطاب بحضرت عبدالبهاء عرض نمود این بود که «ای آقای عزیز در ایام
 عمر خود من در اینخانه مجاس بسیار داشته ام لکن هیچوقت مثل این محفل را در اینجا ندیده بودم
 و ازین محافل الفت بیان حضرت پطرس بخاطر آمد که گفت «خدا همه را از یک خون خلق کرده»

و بیان حضرت مسیح که فرمود در آرزو شرق و غرب جنوب و شمال داخل ملکوت الهی خواهند شد
 بعد از دکتور وایت از قبل طلاب هندوستانی یکی از آنها برخاسته گفت که در جمیع
 هموطنانی که حاضرند نزول قدم حضرت عبدالبهادر را باین اسلیم تبریک و خوش آمد
 میگویند لازم نیست که از اوصاف این تعالیم مقدسه چیزی بیان نمایم زیرا همه میدانند
 که سبب ترقی عالم است و تا حال آنچه ترقی در ایران پیدا شده و هر قدر نفوس اندوام
 و تقالید که مانع اتحاد بوده نجات یافته اند بسبب این امر بوده و این منحصر بایران
 نه بلکه از ایران سرایت باطراف جهان کرده تا حال که وجود اقدس بانجا تشریف آورده
 برای این که خبری را که فراموشش نموده بودیم که همه ما تا یک جنس هستیم و برادر ایم
 و همه بندگان یک خداوند حال بخاطر آریم و متذکر شویم شکلی نیست که بواسطه نفوذ این معلم
 عظیم حال عالم بهبودی یابد و این تعالیم سبب آسایش عالم انسانی گردد و همه ما
 خوش آمد میگوئیم، بعد یکی از تحصیلین مصری برخاست و گفت « این مجلس سبب افتخار است
 و اعتقاد صمیمی قلبی ما در حضور مبارک شخص جلیلی که عظم معلین شرق هستند و از جمله
 تعالیشان منع تعصب مذہبی و تعصب وطنی و تعصب سیاسی و جنسی است و این تعصبات
 سبب اختلاف و تفرقه و خرابی است که همیشه خدا در برکتی مبعوث فرمود که تعلیم یگانگی
 و زویج اخوت نماید و نهند این امر ادیان و ملل مختلفه را جمع فرماید و بنظر همه ما صحیح
 میآید و منتظریم که روزی اجماع و احزاب عالم متحد و متفق خواهند شد پس وجود مبارکی که
 ما را بچنین طریق دلالت میکند و بصلح عمومی میخواند ما در زیر بار منت و مقروض غایت ایشان

هشتم زیاده بر این شمار امانع از شنیدن خطابه مبارکه نمی شوم و از قبل موهبتان
 و سایر طلاب علم ایشانرا خوش آمد میگویم و چون از گفتگوی حضرات و لهجای نهایت
 شائق و مستعد استماع بیانات مشرق میثاق گردید آنگاه طلعت انور قیام فرمود و خطابه بی
 غرار در خصوص وحدت اصول دین و منع تقلید و بیان حقیقت اسلام و تعدیل فرمایشات
 حکام نظر تقضیات عصاره و ازمان و قوه عارق العاده معنویه چنان ادا فرمودند که
 جمیع اظهاریشکر و ثنا زبان گشودند منجمله دکتور وایت در ختم مجلس با اظهار مسرت
 و شکر ممت مس وایت پرداخت که ایشان سبب شریف فرمائی حضرت عبد الهیاء
 و حصول این عنایت و سعادت عظمی شدند بعد از مجلس با جمعیت کثیری از همزیرین شرف
 و از بیانات و تعالیم مبارکه جمیع اظهاریشکف و انجذاب می نمودند از روزی که بجهت
 فقر اعانه جمع میکردند هر کس از مالار بیرون میرفت میل خود چیزی میداد لذا از حضور مبارک
 هم چند جینه عنایت شد و نفوسیکه لفت نمیکشیدند خیلی متأثر گردیدند علی الخصوص
 اهل آن منزل زیرا متوقع و منتظر چنین عنایتی نبودند آن شب مس وایت مکان او از
 حضور مبارک رجا و اصرار نمودند که تشریف فرمای مجمع سرودی شوند که در یکی از کلاس
 قدیمه منعقد شده بود و عرض نمودند که آن مجلس سالانه برای سرور و تفتن فقرا
 بنیامی شود و چند دسته برقیب و تنظیم مخصوص در وسط مالار بزرگ آن معبد حاضر
 و با انواع نغمه ها و سرودهای روحانی مشغول ساز و نوا هستند و چند هزار جمعیت فقیر
 و امیر از همزیرین برای شنیدن نعمات میروند چون بسیار اصرار نمودند و خیلی مانع بر رفتن

آن محفل بودند لهذا همراهی فرمودند و در نظر مبارک بسیار مقبول افتاد بعد از رحبت فرمودند خوب مجلسی بود فقرا را بسیار سرور دیدم فی الحقیقه قلوب فقرا خیلی رقیق است زود متاثر میشوند وقتی در غبدا فقری در منزل ما آمد قالیچه‌ئی را که آنجا افتاده بود دید دستی بردی آن کشید و گفت خیلی نرم است اگر کسی روی این بخوابد بیشتر خوب میرود و راحت می شود گفتم این قالیچه برای تو باشد بعد از چندی او را دیدم گفتم «من گمان می کردم روی قالیچه بیشتر خوب میرودم بعد دیدم هیچ فرق نمی کند روی قالیچه بخوابم یا حصیر من هم قالیچه را فرو ختم» دل فقرا زود می شکند لهذا هر چه انسان اسباب سرور آنها بشود جا دارد من در عکاکم ذکر فقر را دعوت می کردم اما نمیدانید که فقرای شرق چگونه در عسرتند بیچاره ها چه کنند انہی

روز اول ماه صفر ۱۳۳۱ (۹ ژانویه) از صبح تا ظهر آمد و شد نفوس تشرف صاحبان جسم آمد و سایر اشخاص محترمه چنان بود که دقیقه‌ئی لسان اظهار ساکت نه بود با جواب سوالات و کشف سجات و توضیح آیات بنیات ناطق نفوس مختلفه در هر مسئله سوال مینمودند و از استماع جواب و بیان مبارک چون گل شکفته و خندان می شدند از فرق بین بهائی و سحی می پرسیدند و در جواب وحدت اصول ادیان و تغییر و فروعیات و جزئیات را با اقتضای هر عصر و زمان شرح و بسط میدادند از صعوبت و اشکال اشکاد و الفت ظل مختلفه و طبایع آراء متضاده سوال مینمودند خلقت کائنات برهان حسی میفرمودند که ترکیب عناصر مختلفه بقوه معنویه در عالم امکان سبب ظهور و بروز کمالات و صفات رحمانیه

است و این اختلافات اصلیه باین جلوه حدیقہ عالم انسان است نه مانع ظهور و اتحاد
 و الفت مل و ادیان و اما اختلافاتی که نسبت از ظلم و تعدی است و تعصب و نادانی بحسن
 تربیت و تدبیر زائل میشود ازین قبیل مطالب و مسائل بزرگ و مفصل برسم اطهر جاری و صادر
 میشد و جمیع قلوب شادمان و همه اعناق خاضع و تمام نفوس شاکر و ثناگو آما عصر مجلس عظیمی
 در مسرقه در منزل دکتور دایت منعقد فرقه فی از خانهای محترمه مجلله شهر که همه حقوق طلب
 و آزادی خواه بودند و فرقه فی از رجال عظیمه مخالف مقصد و تدعای فرقه اولی با وجودین
 طرفین از خطابه مبارکه دعاگو و ثناخوان گردیدند زیر انطق و بیان مبارک در خصوص صلح و صلاح
 و سعادت و وحدت عالم انسانی و تبیین تعالیم الهی و لزوم تربیت و حسن آداب و خلاقیت
 بود بدرجه فی که استعداد و استحقاق تساوی حقوق با رجال یابند لذا همه راضی و ممنون
 نمود و هر دو طرف را منتقل و مفتون کرد بشانیکه هر یک مسائل و مطالب صادره از لسان
 مبارک را منتها الایمال خود می شمردند و تعالیم حضرت بهاء الله را در مان هر درد و مرهم هر زخم
 مشاهده می نمودند و غلب این نحو نطق و بیان و تاثیر و نفوذ کلام مبارک را عارق العاده
 می گفتند که در یک مجلس طرز بیان و تاثیر نطق مبارک نفوس قباینه راضی دارد و منتها
 آرزوی اشخاص مختلف ایشار و لہ آرب باشد و ہم تبیین حقیقت نماید و بیان حقیقت کند
 این بود که هر یک از اعناق خاضع و هر قلبی منتقل میگشت هر نفسی فہمی و در چنان مرکز ہمی
 منتقل می شد و صلاح خود از هر جهت در اطاعت و خشوع میدید و هر منصفی بی اختیار شہادت
 بر عظمت و جلال میداد هر کس در هر مقام و درجه فی بود جز تذلل و انکسار و در ساعت مرکز عہدہ الهی

چاره نداشت و الا سکرشان اروپا و امریک کجا و خضوع و تعظیم در محضر سرور
 تاجیک کجا معزوران مدینت غرب کجا و اظهار و انقیاد بدینت شرق کجا بین تقادت ره
 از کجاست تا کجا و مجلس عظیم تر آن شب در تالار انجمن تیا سفیهای ادین بورگ منعقد شد که
 محفل پرشوری بود و در حضار از خطابه مبارک حشر و نشوری افتاد علاوه از اهل شهر جمعی از
 تیا سفیهای اطراف چون اعلان آن مجلس اخوانه بودند و در حسبه اند و مراملات دیده بودند
 آن شب حاضر شدند چنانکه تالار بان وسیع را گنجایش آن جمعیت نبود و اکثر تاپیرون تالار
 صف در صف ایستاده بودند قبل و بعد نطق مبارک رئیس انجمن در اوصاف طلعت انور
 عبدالبهات بیانات و عباراتی گفت که محیر عقول بود و بمن آن عبارات و مطالب را در روزنامه
 تیا سفیها بعد درج و نشر نمودند و با بهائیان نهایت یگانگی و اتحاد را اظهار داشتند از جمله
 مترجمان پل مدیر مجله تیا سفیهای ادین بورگ مینویسد: «عبدالبهات قوه روحانیان شدیدا
 بنظر من مرکز قوای روحانیه و عقلانیه و الهیه قرن آینده و حالند و چون انسان از قوه فی
 که عبدالبهات از آن مستمند اطلاع یابد شک نمی نماید که این امر عوالم دینی و اقتصادی نوع
 بشر را تغییرات عظیمه خواهد داد: در صورتیکه رؤسای انجمن این قسم مفتون ششون بهره
 و آثار نافذه نطق و بیان مبارک گردند حال دیگران معلوم است خلاصه چون قامت
 در با در آن مجمع بر لطف و صفا قیام فرمودند خطابه فی در اظهار مسرت از حقیقت مبنی
 و بیغرضی اعضا انجمن و حضرت تعالید پیران ندایان و ادیان و کیفیت قوه خارق العاده
 و حقیقت ثانویه عالم انسان و طلوع شمس حقیقت از بروج مختلفه در عصر و زمان ادا فرمودند

که از جمله و دوله حضار در دیوار بزلزله درآمد تا صبح رفتن که یک یک با نهایت تعظیم
 از حضور مبارک می‌گشتند و مجال عرض بندگی و رجای برکت و تائید میخواستند ولی
 برای برکت ممکن نبود کل مجال بجزاب و اشتیاقی مشاهده می‌شدند که هیچ میل رفتن
 به آنجا نداشتند بعد از مجلس در همان عمارت تدارک شام دیدند بودند جمیع حضار
 انجمن با شور و ولهی زآمد الوصف سر میزد و حضوراً نور شام خوردند و اقعاً از صمیم قلب اظهار
 خلاص میبودند و محبت و خلوص افتخاری کردند حتی پس از صرف شام دو نوجوان پسرو
 دختر که خیال عروس داشتند مقابل کرسی مبارک زانو زمین زده ذیل اظہر ابدست گرفتند
 و با حال رقت و کمال عشق و محبت استغای برکت و تائید نمودند و رجای تبرک و توفیق
 کردند و مورد عطا و مشمول دعای طلعت رقیه در گاه جمال اهی گشتند بعد چند نفر که عکس
 مبارک داشتند برقم و مضای تسلیم اظہر رسانیدند و رئیس انجمن کتاب و دفتر محفل را
 تقدیم کرده خواش صدور دعا و مناجاتی از کلام غایت بافتخار انجمن نمود و این مناجات
 مختصر صادر و نازل شد «
 ہوانہ ای پروردگار پر نوری از شمس حقیقت بر این انجمن
 زن تاروشن گرد و عبد البہاء عباس» رئیس مذکور کتابچہ خود را تقدیم و استغای
 دعائی بافتخار خویش نمود مرقوم فرمودند «
 ہوانہ خدا یا دارنده این کتاب موفقی
 فرما عبد البہاء عباس» باری آن مجلس حسن مجلس مبارک و آن شب آخر شب قامت
 ہیکل آقدس ادرین بزرگ و انقلاب قلوب در آن مدینہ اعظم آیت و قدرت ہمینہ طلعت
 عبودیت حضرت احدیت دید می‌شد
 روز ۲ صفر ۱۰۵۱ شانیہ

وجود مبارک از ادین بزرگ عازم لندن بودند خستای راکه در هتول بودند از مجمع
 اسباب و ادای کرایه هتول منسه بودند و چون کس و ایت مطلع شد بسیار اظهار تأثر
 کرد و صرار نمود که همه ترمین رکاب مبارک باید همان من باشند ولی قبول نفرمودند
 و دو جینه هم بجهت اعانه مرضی مرحمت فرمودند بعد پائین شریف آورده همه خستام
 و خدمه خانه را احضار و شرح نصیحت در حسن خدمت و رفتار و امانت و صداقت و
 عبودیت پروردگار نمودند خیلی اظهار عنایت و رضایت از خدمات آنها فرموده
 بهر یک یک جینه انعام و اکرام کردند گفتار و رفتار مبارک و سبک و سلوک با اهل آن
 خانه بنوعی بود که جمیع راقبت و حزن دست داده حتی خود و کتور و ایت آن شخص
 جلیل چون عبد ذیل با نهایت ادب اظهار خجلت و بیان قصور در خدمت می نمودند در کتاب
 کتابی تقدیم محضر انور نموده در جای صدور عنایت و مناجاتی کردند و نیز اول آثار سلم طهر
 سرفراز و منتخر گشتند و در رکاب مبارک تا ایستگاه خط آهن با جمعی بشایعت آمدند و من
 حرکت مرکب مبارک جمیع در حالت تأثر شدید بودند دستندعی برکت و تأیید علی الخصوص
 مس و ایت و رئیس اسپرنتو و اعضا آنجمن تیا سخی و چون دو ساعت قطار راه آهن
 حرکت نمود در واگون می منسه بودند که "این گونه انقلاب نفوس بعرف قدرت و
 تأیید ملکوت ابی است که ما اشخاصی ایرانی در مجامع این شهر و آنجی در خانه بیس اساقفه
 با این عزت و اقتدار با متاثر آثار پر دازیم و در منزل بزرگترین قستیها با ثبات اسلام
 و شرف عزت و عظمت محمد رسول الله مطلق شویم بقسمی که همه فاضل شوند و عظیم و چشم نمایند

چشم مکان چنین آید ندیده باید قدر این تأییدات بدانیم و شکرانه بر خیزیم
 آن روز در ترن قلب طهر انور بسیار شاد و سرور بود و سان مبارک و انما شکر تا بیست
 ملکوت ابهی ناطق و گویا تا عصر ساعت پنج که موکب اقدس بلندن دارد و جمعی از وستان
 در ایستگاه راه آهن پروانه وار طائف حول روی پر انوار بودند آن روز قصد مبارک
 آن بود که یکی از همتیهای لندن نزول جلال فرمایند ولی چون لیدی بلا مفیلد کس
 مطلع شدند مویه کنان بر قدم اطهر افتادند لهذا بنزل ایشان باز شریف فرماید
 جمعی از وستان شرق و غرب بشرف لقا مشرف و از مشاهد سرور و جوی اقدس
 بوجد و شور آمدند و نظر بختگی بیکل مبارک زود تر مخص شدند ولی مسافری ایرانی
 نابد از شام هم از بیان و ندای علی آشفته و شید ابوند و مخمور صبهایی فضل عطا
 روز ۳ صفر (۱۱ ژانویه) دسته دسته حجاب و اغیار شرقی و غربی در ست
 اقدس اعلی استفاضه از فیوضات باقیه می نمودند و هر یک از حقایق معانی مسائل
 روحانیه بقدر وسع خویش بهره و نصیب می گرفت از جمله نفوس محترمه ایرانی که از روز
 از فیض حضور سرور و انبساط موفور حبت یکی از بزرگان ایران بود که بدون مقدمه
 و سابقه دار وصالون عمارت شدند ملازمان حضور از اسم ایشان پرسیدند جواب
 دادند که همین قدر بحضور مبارک اسم مراعض کنید که مخصوص شرف آمده دیگر مقصد
 ندارد فوراً ایشان را در اوطاق مبارک حضار و اطهار غایت بشمار فرمودند از آن
 بعد کثیر اوقات و ایام در سفر و حضر در محضر طهر بودند و هر روز در هر استیلا عانی تازه

و حالت خلوص و انجذاب بی اندازه حاصل میبودند عصر مجلس نهمی در گسترن مال مخصوص خطابه
 مبارکه منعقد قبل و بعد نطق و بیان مبارک جمعی از جنابای لندن هم در آن مجمع عظیم از تاریخ
 و تعالیم امرالله نطقهای مؤثر نمودند اما خطابه مبارکه در خصوص بشارت شیعا و ظهور
 اعظم ابی و شرح تعالیم مسلم علی بود که جمیع را مفتون طلعت نور آرد و مجذوب کلام شده نمود
 پس از مجلس چون تبالا ردید که در آن محل باشکوه برای جمعیت عصرانه تدارک نموده بودند
 تشریف فرما شدند مردم در آنجا یک یک دو دو بحضور مبارک آمده دست میدادند
 و از استماع تعالیم مبارکه اظهار شکر و ثنا و خضوع و اطاعت می کردند و بتصرف و درک
 نقای مبارک افتخار می نمودند بنوعیکه و نفر از بزرگان شرق که درین وین و یسار کرسی
 مبارک جاس بودند از مشاهده تاثیر و نفوذ امرالله و انجذاب و کسار رجال و نساء
 مجله منقلب شدند و شکرمان نمودند که از نفوذ امر مبارک در ممالک غرب انگونه اهل شرق
 عزیز شده اند و مسجود فرق امم متهدنه غیب گشته اند تا یک یک راتوارش و عنایت
 فرموده بعد از صرف شربت و شیرینی و چای و بستنی حرکت نمودند و در اتومبیل امته الله
 مس کرد و پر سوار شده بمنزل مبارک مراجعت فرمودند و در باره آن امته الله بسیار
 اظهار عنایت کردند زیرا فی الحقیقه مس کرد و پریلی ساعی در نشر آثار و قائم بر خدمت
 امرالله بود روز ۴ صفر (۱۲ ژانویه) چون جمعیت زیاد در منزل
 مبارک حاضر و شرف یک یک ممکن نبود فرمودند جمیع را یک مرتبه در بیرونی ملاقات
 می کنم لهذا تشریف فرمای مجمع شده نطقی مختصر و مخصوص مدینت روحانیه و جهانیه فرمودند

که وقتی مدیت مادیه در شرق بود و ممالک غرب از آن محروم حال باید شرق در مدیت
 مادیه از غرب استفاده نماید و غرب در مدیت الهسیه از شرق استفاده کند بعد از
 مجلس بعضی از مبتدیان و نفوس که نهایت لزوم داشت باز شرف حاصل نموده از بیانات مبارکه
 لذت روحانیه و فیوضات ابدیه حاصل می نمودند و همچنین عصر انام شب مجلس ضیافتی ملوکانه
 با نهایت روحانیت و محبت مخصوص حضور مبارک در منزل یکی از سران ملت انگلیز موسوم
 بسریچاد استغلی بر پا و حقیقتاً ایشان با خانم محترمه شان کمال خدمت و احترام مجری شدند
 و جمعی از بزرگان و طالبان را که اکثر مردمان سیاسی بودند محض شرف بساحت انور
 دعوت نمودند تفصیل آن مجلس و اوضاع رسانیده آن مفصل است آنچه که بیشتر ذکرش لازم
 و سبب نشاط و انبساط بساط اولیاست و دلیل بر قدرت و قوت عهد جاهل کیا نیست که
 بعد از صرف شام و قهوه چون در تالار مخصوص وجود اظهر جاس و جمیع همانان محترم در محضر
 مبارک بار حضور یافتند اول همانند امر محترم بر خاسته گفت در من از جانب حضار
 نهایت ممنونیت و شکر را اظهار نمایم که حضرت عبدالبهاشب در این محفل و مجمع تشریف
 دارند اغلب ما را از تاریخ این امر کم و بیش آگاهیم و نهایت خلوص و خضوع را داریم
 از این که این امر بهائی قوه روحانیه فی ظاهر نموده که سبب تربیت و نجات و ابر جمع قوی
 حربیه قوی تر ازیر این وجود مبارک چهل سال مجوس بودند و اهل بهادر شرق همیشه
 مبتلای عذاب شکنجه لکن آخر این آتش خوارش نشد بلکه روشن تر گشت اکثر نفوس بنگا
 رفتند و از محبت و تفقداتی که حضرت عبدالبهاشب نفوس هر طبعی علی الخصوص بفقرا و آفته اند

مطلع و آگاهند و حال هم بسبب آزادی در طرف عالم ساعی و ناشی از صلح و اتحاد
 رسید داریم که با نهایت سرت این امر عظیم را با انجام رسانند و بروفق مرام و مقصد کامیاب
 گردند چون همانند محترم نطق خود بانتهای رسانید و جمع حضار اظهار سرت و خضوع نمودند
 آنگاه در حالت جلوس سان مبارک ناطق اول ششمی از صن معاملات و حسابات و حدیث
 حاضرین بیان فرمودند که با شخص غریب شرقی اینگونه احترامات دلیل بر کمال محبت است
 و بعد خطابه فی مفصل در اتحاد و الفت ملل شرق و غرب بقوه الهیه و مدیت روحیه فرمودند
 که جمیع قواد عاجز و محدود و تمام کائنات در تحت قانون طبیعت ایستند جز قوه الهیه و
 مذمت روحانیه که در حقائق نفوس تاثیرات عارق العاده ظاهر نماید پس از خطابه مبارک که
 باز سر بپاگرد استغلی برفاسته بیان ممنوعیت و شکر از خطابه مبارک که نمود و اجازه
 خواست که هر کس سؤالی دارد بوض مبارک رساند تا بصدور جواب منقحر شود پس از
 حصول اذن و اجازه اول شخصی عرض نمود آیا در شرق افکار صلح تا چه درجه منتشر یافته
 فرمودند در درجه یک جمیع بهائیان شرق بحبت ترویج صلح جان میدهند بیست هزار نفر خود را
 فدای امر صلح نموده اند زیرا اول تعلیم و امر حضرت بهاء الله صلح عمومی است و ترویج این
 صلح نزد بهائیان فریضه دین دیگری پر سید اگر کسی تعسدی کند و بر مال مردم دست دراز نماید
 چه باید کرد فرمودند) همیله مختصرش نیست حفظ حقوق بشر و دفع شر غیر از جنگ است
 بسته بشرق مقام ندارد اما بهیت جامعه باید محافظه و مدافعه نماید مثلاً اگر کسی فرزند
 شمارا بکشد شما نمی توانید فرزند او را بکشید شخصی چشم کسی را کور کند آن کس نمی تواند

چشم آن شخص را محض انتقام کور نماید اگر نفسی مال شمارا بدزد و شناسی تو انید مال او را بدزدی
 لکن نیت بشریه باید مدافعه نمایند و حفظ جان و مال نوع خود کنند و بحسن سیاست مانع ظلم
 تعدی گردند و الا هیچ و هیچ شود الی آخر باینه الا علی از ضرب اطفال شریر سوال کردند
 فرمودند ضرب برای حیوان هم جائز نه حسن تربیت حیوان را در تحت تعلیم و اراد و شایخ کج را
 راست و خارتان را گلستان نماید و عیبها در وقت تربیت اسب را نیز نند میگویند از زن
 اسب بد رفتار و سرکش میشود (پرسیدند قوه محبت را بین مثنی که محض ظلم بر ملت دیگر حمله نماید
 چگونه میتوان ظاهر نمود فرمودند) این بحث بین افراد بود چنانچه ذکر شد بشر حق انتقام ندارد اما
 اگر مثنی تعدی کند بر قتل و غارت بر خیزد هیئت جماعیه مکلف بدفاعند زیرا این تعدی راجع
 بمجموع است اگر کسی بشما تعدی کند باید او را عفو کنید اما اگر تعدی بمجموع نماید شایع عموم را
 نمی توانید عفو نماید لهذا هیئت جماعیه بدافعه بر خیزد و محافظه نماید (سوال نمودند اگر در مملکتی
 نهایت اغتشاش باشد و االی بکیده بگر تعدی نمایند آیا اهل مملکت دیگر محافظه و مدافعه میتوانند فرمودند)
 در این امر جمعیت بشری عالم و کره ارض یک وطن است باید تعاون و تعاضد داشته باشند
 و این اقتضای محافظه نماید ولی بغرضانه باید نصیحت و اصلاح بر خیزند الی آخر باینه الا علی
 مختصر از اجوبه مبارکه حالت حیرت و انقلاب عجبی از وجه اهل مجلس نمودار شد و لسانها همیشه
 و ثنا مطلق گشت جمیع زبان را با اظهار ممنونیت گشودند و آوازه شکرانه نمودند مخصوص رئیس
 محفل صلح مستر موثقی و بهاندار کرم سر بر بچاره تشفلی که از قبل عموم شکر و سالیس کرده بصیح عبارت
 گفتند که «هر چند بعضی از مسائل مادی هم لازم است ولی با کفلی قوه معنویه را فراموش نموده ایم

الحمد لله شب از فرمایشات حضرت عبدالبهاء از قوه معنویه الهیه گاهی یافتیم؛ لهذا
 باز بحر جان موج آمد و طلعت پیمان تذکر و تشویق حضرات برداشتند که در چنین است قوه
 معنویه لازمست امر حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت زردشت و سایر انبیای الهی بقوه
 معنویه ترویج یافت چون شما ارکان صلح هستید امید دارم بقوه معنویه مؤثر شوید و چون
 احساسات فاضلانہ دارید و از جان و دل آرزوی صلح می نمائید لهذا اول شکر این رفیق
 می کنم و ثانی از حق رجای از دیانت رسیدی نمایم انہی آنست جمع حاضرین با نہایت تکریم و
 تعظیم کز شما و ستایش گفتند و سر پرچار و شفلی را شکر نمودند کہ سبب انعقاد چنین مجلسی گردیدند
 و وسیله تشریف حضور و استفاضه از رفیق فضل موفور گشتند

روزه صفر (۱۳ ژانویه) هوای لندن مہ و باران بود و قسمی تاریک کہ انجیل با از ترس
 تصادم ممنوع از حرکت بودند بر خلاف سایر ایام کہ هوا صاف و روشن و آفتاب بود بطوریکہ
 خلق تعجب می کردند کہ در موسم زمستان هوای لندن بچوخت باین صافی نبوده باری آرزو
 بنسبت تاریکی هوا نطق مبارک در مجمع در خصوص ظلمت او امام و تعالید بین انام بود کہ حجاب
 و مانع مشاهده انوار ہدایت و آفتاب حقیقت است عصر در مجلس عظیم صلح خطابہ فی مفصل از
 اساس صلح و صلاح کہ عظم مقصد انبیا و مطاہر نفس اشہ بوده او افرمودند و بشریح تعالیم طہور
 عظم ابی ختم نمودند از گاہ رئیس مجلس صلح مستر موثلی برخاست و گفت او من از جانب عموم شکر
 و ستایش نمایم حضرت عبدالبهاء را مخصوصا ہمہ از من خواہش کرده اند کہ این تعالیم و بیانات
 مبارکہ را مدح و ثنا نمایم و اظہار شکر کنم زیرا جمع میدانیم کہ در شرق چہ زہمتها کشیدہ اند

نه تنها اعلان صلح نمودند بلکه هزار جان فدا کردند و نخل بلایای گوناگون فرسودند تا
 حال که مار با ساکس اصلی مسیح که فراموش نموده بودیم دلالت می فرمایند و بدینت روحیه
 دعوت می فرمایند که اتم امور است و عظم از آن امری نه و همچنین منع از جنگ و جدال و
 ترویج صلح و وحدت عالم انسانی نمایند که برتر سعادت و منقبت نوع بشر است لهذا بی نهایت
 شاکریم که دوباره از وطن مسیح چنین تعالیمی را بغرب آورده اند چون این بیانات را رئیس
 با نهایت ادب و تعظیم بعضی رسانید و جمیع همه اظهار شور و هیله نمودند و مکرر دست زدند
 لهذا یک اندک دوباره قائم و باین کلمات عالیات ناطق گشتند و من از احساسات شما
 بسیار ممنونم زیرا احساسات عمومی الهیه است و امور خصوصیه بشریه بی در صفحات
 غرب مدنیته الهیه لازم زیرا مدنیته جهانیه بسیار ترقی نموده در روز بروز دراز زیاد است
 مدنیته روحانیه منزوک مانده این مدنیته مادیه بمنزله از جاج ثقاف است ولی مدنیته الهیه
 بشا به سراج و تابج وقتی آن زجاج باین سراج روشن شود کمال الهی آنوقت جلوه نماید پس
 مدنیته جهانیه مانند جسم لطیفی است که هر قدر در نهایت جمال باشد باز محتاج روح مدنیته
 مادی را فلاسفه تأسیس نمودند مدنیته الهی را مظاهر مقدسه الهیه حضرت مسیح مدنیته الهی
 نمود که بعالم اخلاق پر تو انداخت سبب الفت بشر شد و انجدمت از مدنیته مادیه بر نیاید
 بلکه مدنیته مادیه سبب ظهور توپ کرد و تفنگ و دیگامت و امثال اینهاست اما مدنیته
 روحانیه سبب تحسین اخلاق و ترویج راحت و آسایش بشر و نورانیت عالم انسانی و سعادت
 ابدی میسر چنان است که عالم انسانی بهر دو موفق شود زیرا مدنیته مادیه خدمت عالم جسم

نماید و مذمت الهستیه بعالم اخلاق و نهایت سرور را از شما و این جمع دارم انهی باری
 از آن مجلس چون حرکت نمودند فرمودند میل براه رفتن دارم لهذا با جمعی از دوستان
 و خدام آستان مشی می فرمودند تا بدان کان قالی فرودش رسیدند پس از جلوس و گفتگوی
 با ترکها و حکایت از امر الله در دوات و اوبیل سوار شده بسفارتخانه دولت علیه ایران که شب
 در آنجا موعود بودند شریف فرما شدند و از نجابت و ذکاوت و بزرگی و عدلت حضرت
 سفیر و هموطنان عزیز قلوب ملازمان حضور بی نهایت سرور و از جمله مطالبی که بدایت مجلس
 حضرت سفیر ذکر نمود اظهار تشکر از ورود و قدم مبارک بود و بیان سرور و موفور از مسافرت
 طلعت مجبور باسکالند و خضوع الهالی و تعظیم و کرم محترمین ادین بزرگ در محضر انور و حسرت ادین بزرگ
 را حاضر نموده اکثر مقالاتی را که در باره محافل و خطابات و بیانات مبارک نوشته بودند
 منشی سفارت خوانده ترجمه می نمودند و از نفوذ عزت و انتشار عظمت مشرقیان در ممالک غرب
 اظهار شادمانی می کردند فی تحقیقه شب مبارکی و بزم ضیافت کمال و مجلی بود بوجه مبارک
 بسیار خوش گذشت و با نهایت بهت و مسرت آن محفل منتهی شد
 روزه صفر ۱۴ (۱۳۰۵) پس از او را داد و از کار پروردگار و شکر عون و نصرت ملکوتی
 بعضی از حجابا اجازه حضور یافتند و مورد عنایات باقیه شدند از جمله امته الله مس روز بزرگ
 بود که خدمات و حالاش در محضر اطهر بسیار مقبول چون جمعیت حجاب و اغیار زیاد شد
 شریف فرمای بیرونی شده نطق مبارکی در اظهار سرور از نتائج این سفر و استقامت و
 روحانیت اجبای لندن و تشویق بر شرفیات الله و تحصیل کمالات باقیه فرمودند و همچنین

عصر نفوس کثیره در ساحت اقدس مشرف شدند و از لطافت و عنایات سردتیه بهره
 و نصیب گرفتند اما شب در کلیسای گانگوشس مجمع و محفل با روحی هتیا بود و سستیهای آن
 کنیه از صمیم قلب بتابش مکل بیان قائم و ناطق قبل از ورود مبارک بصحنه خطابه و قنیکه
 در اوطاق کلیات شریف داشتند کثیر اقل شجره از تاریخ امر و ظهور حضرت علی و طلوع
 جمال اقدس اسی بیان نموده بعد گفت حضرت عبدالبهاء که امشب با ما هستند معلم سوم این امر
 عظیمند که بم سال عمر خود را برای رضای خدا و رحمت عطا گذرانیده اند و نفوس را با حوت
 و و داد و صلح عمومی و یگانگی و اتحاد ام دعوت و دلالت نموده اند و نهایت افتخار را
 از شریف فرمائی چنین وجود مبارکی داریم که بی نهایت حلیم و حلیل و رؤف و کریم و ناطق و
 حکیمند فی الحقیقه سلطان نوع بشزند و ما با کمال شکر و رباستفاضه از فیض حضور شان
 منتظر یقین است چنین سبیل انوری را کمال احترام و تعظیم خواهیم نمود و گل محض ورود شان بر پا
 خواهیم ایستاد زیرا باید نهایت شکر و افتخار نماییم که با وجود خشکی و عدم مجال امشب را سرفراز
 فرمودند اگر چه جمیع دوستان ایشان راسته و مولا خوانند و لکن خود ایشان خود را بنده خدا
 نامند و با این بندگی سلطنت آسانی دارند « و چون بعد از نطق کثیر نیک اندیش حضرت
 عبدالبهاء بسکوی محراب کلیات شریف فرما شدند جمعیت همه برخاستند و نهایت تعظیم و خضوع
 اظهار نمودند آنگاه از خطابه مبارک در خصوص تربیت نفوس تعالیم هستیه و قوه معنویه حالت
 توفیق تامه و روحانیت محضه فی بحبت جمیع روی داد که بعد از خطابه مبارک که یک یک همه بحضور
 مبارک آمده دست میدادند و مدح و ثنای نمودند و طلب تائید و برکت می کردند



Abdul Baha with His attendants in Bristol

روز ۷ صفر ۱۵۱۵ (۱۵ نوامبر) صبح یکل اقدس عزم برستول و کلفتن فرمودند بعد از صرف چای
 و شرف جمعی از اجا و دوستان ساعت ده موکب اقدس از لندن حرکت نمود ساعت
 یک بعد از ظهر شریف فرمای کلفتن بهانخانه مستر تیو در پؤل گشتند چون ما ماریل نموده اندک
 استراحتی فرمودند جمعی از اجا و بتدیها بشرف تقاضا شرف و از فم اطهر مسائل طهسیه و شرح
 مقاصد مظاہر ربانیه و منع اودام و تقالید دینیہ و تعصبات مضرة شنیده چون با حالت خضوع
 و خلوص تمام مرتض شدند نظر بخوابش و رجای مستر تیو در پؤل سواره وجود مبارک گروشی فرمود
 بهتل مراجعت نمودند و شب مجمع و محفل عظیم در تالار بهانخانه منعقد چون از چند روز پیش
 شریف فرمائی مبارک را در حسب اعلان نموده بودند لهذا انقدر جمعیت شد که غلب
 نفوس تا بیرون در ایستاده بودند اول مجلس مستر تیو در پؤل خود شری از تاریخ هر دو تعالیم
 ظهور بدیع و مسافرت حضرت عبداللہاء بانہایت تجید و خضوع بیان کرد بعد چون وجود
 مبارک تالار وارد بنیثہ ہمہ بزفاستند و چون کل را امر و اشارہ بجلوس فرمودند
 خطابہ فی مفصل در خصوص صلح اہلبی بر ادا نمودند کہ امروز از مقتضیات عصر زمان و ما بہ
 الاصلیاج مل و ادیان صلح عمومی است و وحدت عالم انسانی از شرح و بسط تعالیم مبارک کہ
 و مسائل طهسیہ اہل مجلس وجد و بنیاطی بی اندازہ جستند و چنان دیدہ و دلہاروشن بود
 و اعناق کل خاضع کہ بنگام مرتضی یک یک رجال نساء محترمه در مقابل کرسی مبارک زانو
 زود دست و دامن مبارک را زیارت می نمودند و اسند عای فیض و برکت می کردند
 در آن میان چشم بندہ بنجاب معیر الممالک کہ در آن سفر در رکاب مبارک بود افتاد دیدیم